

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر محمد کریم فارغی- استرالیا
۲۵ اکتوبر ۲۰۲۱



داکتر محمد کریم فارغی

ریشه های فساد در جامعه ما



بزغاله اش را از ترس کدام دزدی در بغل می فشارد

در این هیچ جای شکی نیست که مسئولیت اعظم و اقعات أسفبار اخیر در کشور ما به دوش مسؤولین امور و حمایت گران خارجی شان بوده است، ولی مردم ما نیز مشکلاتی در تفکر و ذهنیت هایشان داشته اند. من به این باور هستم که ملت ها باید توسط رهبری سیاسی و اجتماعی و نهاد های داوطلب جامعه باید به طور هدفمند تربیه شوند. جامعه حیثیت یک باغ را دارد که باغبان های آن سیاسیون همان جامعه اند. باغبان اگر سلیقه و پشتکار لازم نداشته باشد و از باغ و محصول آن، در و دروازه آن خبرگیری نکند، باغ زیبایی خود را آهسته آهسته از دست می دهد و در آن گیاه های خود

روی و حیوانات وحشی و ولگرد جای خواهند گرفت و باغ دیگر محل تفریح و زندگی نه بلکه محل متروک و ترسناکی خواهد بود .

مردم ها کرکتر ها و اوصاف منحصر به خود شان را دارند و این به همان اندازه که به خلقت و سرشت ذاتی شان بستگی دارد به تلاش و کوشش شان نیز مرتبط است. مطابق تجربه من از جامعه افغانی و ارتباطات آن، انسانیت من حیث یک ارزش کلی کمتر امتزاج گردیده است. روابط و ساختار ها بدون آن که در یک متن انسانی مطرح گردند، به طور مبتدی و بدون زمینه های تکاملی انسانی صرفاً بخاطر توقعات متقابل آن ارجحیت داده شده است. این روابط تا حدی عمیقاً در نهاد جامعه ریشه دوانده است که شما نمی توانید مسیر این روابط را از حالت عمودی به طور افقی در بیاورید. خویشاوندان، آشنایان محل کار، قوم و تبار جای مفهوم کلی انسان بودن و ارتباط داشتن ازین نام را پر نموده و اگر شما شامل این کود ها نباشید با شما تعامل نمی کنند .

این گونه روابط از نظر کروئولوژی روابط بشری از مبتدی ترین اشکال ارتباطی انسانها پنداشته می شود که خود ثابت می کند که جامعه ما مراحل تکاملی لازم را طی ننموده است، انسانیت به ذات خود الزامی را به انسان جامعه من ایجاد نمی کند زیرا شخصی را که او با آن تعامل داشته باشد یا برادر و اعضای خانواده باشد و یا هم نسبتی با او از نام قوم و تبار داشته باشد در غیر آن هیچ گونه تعلق احساسی و عاطفی ایجاد نمی گردد .

چنین حالتی در جامعه کیفیت زندگی را صدمه می زند و زندگی عاری از متن و بافت انسانی را ایجاد می کند. در چنین حالتی است که سوء تفاهات، گریز از مسؤولیت پذیری، تساند، همدلی، رواداری، از خود گزری و تعاون به فراموشی می رود و جامعه فاقد تعلقات انسانی می گردد. جنگ، بغض، کینه، فساد مالی و اخلاقی، سو استفاده و بی رحمی محصول چنین وضعیت خواهد بود..